



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی
گروه علوم اجتماعی
پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد

عنوان:

**میزان مشارکت اجتماعی- فرهنگی دبیران مدارس راهنمایی شهر مشهد
در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ و عوامل موثر بر آن**

استاد راهنما:

دکتر محمد مظلوم خراسانی

استاد مشاور:

دکتر محسن نوغانی

دانشجو:

رضا دنکوب

اسفندماه ۱۳۸۹

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات

۲	مقدمه.....
۲	۱-۱- طرح مساله تحقیق.....
۵	۱-۱-۱- پرسش های اصلی پژوهش.....
۵	۲-۱- اهمیت و ضرورت مساله.....
۷	۱-۲-۱- هدف های پژوهش.....
۸	۳-۱- تعریف مفاهیم.....
۸	۱-۳-۱- مفهوم مشارکت.....
۱۰	۲-۳-۱- فرهنگ.....
۱۱	۱-۳-۳-۱- اجتماعی شدن(جامعه پذیری).....
۱۲	۱-۳-۴-۱- ارزش های فرهنگی.....
۱۵	۱-۳-۵-۱- تعلیم و تربیت.....
۱۷	۱-۳-۶-۱- فرآیند یاددهی.....
۱۷	۱-۴-۱- پیشینه تحقیق.....
۱۷	۱-۴-۱-۱- پیشینه داخلی.....

۲۶ ۱-۴-۲- پیشینه خارجی

۲۸ ۲-۵- جمع بندی پیشینه تحقیق

فصل دوم: مبانی نظری

۳۲ ۲-۱- مقدمه

۳۲ ۲-۲- مشارکت

۳۲ ۲-۱-۱- تاریخچه مشارکت

۳۳ ۲-۲-۲- معنا و مفهوم مشارکت

۳۵ ۲-۲-۳- سطوح مشارکت

۳۹ ۲-۳- پیشینه نظری

۴۰ کارکردگرایی

۴۰ ۲-۳-۱- نظریه کنش اجتماعی پارسنز

۴۷ ۲-۳-۲- نظریه انسجام (همبستگی) اجتماعی دورکیم

۴۹ ۲-۳-۳- نظریه مشارکت سیاسی اجتماعی هانتینگتون

۵۱ دیدگاه نوسازی

۵۲ ۲-۳-۴- نظریه تحول فرهنگی اینگلهارت

۵۳ ۲-۳-۵- نظریه هوزلیتز

۵۴ ۲-۳-۶- نظریه اینکلس

۵۵ ۲-۳-۷- نظریه دانیل لرنر

۵۷ ۲-۳-۸- نظریه لیپست

۵۹ ۲-۳-۹- نظریه مایرون وینر

۴-۲- تحلیل نظری ۶۰

۵-۲- فرضیات تحقیق ۶۳

۶-۲- مدل تحلیل نظری ۶۶

فصل سوم: روش تحقیق

۱-۳- مقدمه ۶۸

۲-۳- روش تحقیق ۶۸

۳-۳- ابزار تحقیق ۶۸

۴-۳- جامعه آماری ۶۹

۵-۳- حجم نمونه ۶۹

۶-۳- شیوه نمونه گیری ۷۰

۷-۳- تعریف نظری و عملیاتی متغیرها و شیوه ی سنجش آن ها ۷۱

۱-۷-۳- متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی- فرهنگی) ۷۱

۲-۷-۳- متغیرهای مستقل ۷۲

۸-۳- اعتبار و قابلیت اعتماد ۸۰

۱-۸-۳- اعتبار تحقیق ۸۰

۲-۸-۳- قابلیت اعتماد ۸۱

۹-۳- روش های آماری ۸۲

فصل چهارم: یافته های تحقیق

۱-۴- مقدمه ۸۴

۲-۴- توصیف متغیرهای مستقل تحقیق ۸۴

۱-۲-۴- جنسیت ۸۴

۲-۲-۴- محل تولد ۸۴

۸۵.....	۳-۲-۴- وضعیت تاهل
۸۵.....	۴-۲-۴- سن
۸۶.....	۵-۲-۴- سابقه ی خدمت
۸۷.....	۶-۲-۴- رشته تدریس
۸۸.....	۷-۲-۴- پایگاه اقتصادی
۹۰.....	۸-۲-۴- فرآیند یاددهی
۹۰.....	۹-۲-۴- دینداری
۹۱.....	۱۰-۲-۴- انسجام اجتماعی
۹۱.....	۱۱-۲-۴- ویژگی های شخصیتی
۹۳.....	۱۲-۲-۴- میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی
۹۴.....	۳-۴- توصیف جزئی و کلی مشارکت اجتماعی - فرهنگی (متغیر وابسته)
۹۶.....	۴-۴- آمار استنباطی (آزمون فرضیات)
۱۰۱.....	۵-۴- سنجش همبستگی بین متغیرهای مستقل و شاخص مشارکت اجتماعی- فرهنگی
۱۰۳.....	۶-۴- همبستگی میان متغیرهای مستقل تحقیق
۱۰۶.....	۷-۴- تحلیل رگرسیون چندگانه
۱۰۹.....	۸-۴- تحلیل مسیر
۱۱۳.....	۹-۴- ترسیم مدل تحلیل مسیر

فصل پنجم: نتیجه گیری و بحث

۱۱۷.....	۱-۵- نتایج
۱۱۸.....	۲-۵- بحث
۱۱۹.....	۳-۵- راهکارها و پیشنهادات
۱۲۲.....	منابع و مأخذ
۱۲۹.....	ضمایم

جداول

- جدول ۱-۱: ویژگی ها و کارکردهای فرهنگ ۱۰
- جدول ۲-۱: معرفی پژوهش های داخلی حوزه مشارکت (اجتماعی- فرهنگی) ۲۵
- جدول ۳-۱: سطوح مشارکت فرهنگی و گویه های مربوط به آن (از شارون: ۲۰۰۰) ۲۷
- جدول ۴-۱: ابعاد و گویه مشارکت فرهنگی (از ول: ۲۰۰۶) ۲۸
- جدول ۱-۲: خرده نظام های کنش پارسنز ۴۱
- جدول ۲-۲: چکیده متغیرهای الگویی پارسنز ۴۶
- جدول ۳-۲: ویژگی های اجتماعی مرتبط با مشارکت (برگرفته از لیپست) ۵۹
- جدول ۴-۲: میزان و عوامل موثر بر مشارکت در جوامع در حال توسعه و توسعه یافته (از قاسمی: ۱۳۸۴) ۶۰
- جدول ۱-۳: طریقه ی محاسبه حجم نمونه ۶۹
- جدول ۲-۳: عملی سازی مشارکت اجتماعی - فرهنگی و گویه های مربوط به آن ۷۲
- جدول ۳-۳: گویه های فرآیند یاددهی ۷۳
- جدول ۴-۳: ویژگی های شخصیتی، ابعاد و سوالات گویه های مربوط به آن ۷۵
- جدول ۵-۳: متغیرهای مستقل فردی و تعریف عملیاتی آن ها ۷۶
- جدول ۶-۳: متغیرهای مستقل پایگاه اقتصادی و تعریف عملیاتی آن ها ۷۷
- جدول ۷-۳: معرف های رسانه های ارتباط جمعی ۷۸
- جدول ۸-۳: انسجام اجتماعی و گویه های مربوط به آن ۷۸
- جدول ۹-۳: دینداری، ابعاد و گویه های مربوط به آن ۸۰
- جدول ۱۰-۳: پایایی گویه های متغیرهای تحقیق ۸۱
- جدول ۱-۴: توزیع پاسخگویان بر حسب جنسیت ۸۴
- جدول ۲-۴: توزیع پاسخگویان بر حسب محل تولد ۸۴

- جدول ۴-۳: توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل ۸۵
- جدول ۴-۴: آماره های توصیفی متغیر سن ۸۵
- جدول ۴-۵: آماره های توصیفی متغیر سابقه ی خدمت ۸۶
- جدول ۴-۶: توزیع پاسخگویان بر حسب رشته ی تدریس ۸۷
- جدول ۴-۷: توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای پایگاه اقتصادی ۸۸
- جدول ۴-۸: توزیع پاسخگویان بر حسب سازه پایگاه اقتصادی ۸۹
- جدول ۴-۹: آماره های توصیف سازه فرآیند یاددهی ۹۰
- جدول ۴-۱۰: آماره های توصیفی سازه دینداری ۹۰
- جدول ۴-۱۱: آماره های توصیفی سازه انسجام اجتماعی ۹۱
- جدول ۴-۱۲: آماره های توصیفی ویژگی های شخصیتی ۹۲
- جدول ۴-۱۳: توزیع فراوانی و میانگین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی ۹۳
- جدول ۴-۱۴: آماره های توصیفی گویه های سازه مشارکت اجتماعی - فرهنگی ۹۴
- جدول ۴-۱۵: آماره های توصیفی سازه مشارکت اجتماعی - فرهنگی ۹۶
- جدول ۴-۱۶: آزمون t برای متغیر مشارکت اجتماعی - فرهنگی بر حسب جنسیت ۹۶
- جدول ۴-۱۷: آزمون ANOVA برای متغیر مشارکت اجتماعی - فرهنگی بر حسب محل تولد ۹۷
- جدول ۴-۱۸: آزمون ANOVA برای مشارکت اجتماعی - فرهنگی بر حسب وضعیت تاهل ۹۸
- جدول ۴-۱۹: آزمون ANOVA برای مشارکت اجتماعی - فرهنگی بر حسب رشته تدریس ۹۹
- جدول ۴-۲۰: همبستگی میان متغیرهای مستقل و مشارکت اجتماعی - فرهنگی ۱۰۱
- جدول ۴-۲۱: ماتریس همبستگی میان متغیرهای مستقل تحقیق ۱۰۳
- جدول ۴-۲۲: ضرایب رگرسیون در تحلیل رگرسیون چندگانه ۱۰۷
- جدول ۴-۲۳: ضرایب مسیر متغیرهای تحقیق در تحلیل مسیر ۱۰۹
- جدول ۴-۲۴: ضرایب مسیر مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل ۱۱۴

نمودارها

نمودار ۱-۲: ساختار نظام کنش پارسنز ۴۳

نمودار ۲-۲: عوامل تاثیرگذار بر مشارکت سیاسی اجتماعی پارسنز ۵۰

نمودار ۳-۲: روابط متقابل متغیرهای مشارکت لرنر ۵۶

نمودار ۴-۲: مدل تحلیل نظری ۶۷

نمودار ۱-۴: مدل تحلیل مسیر ۱۱۴

چکیده رساله/پایان نامه

در این تحقیق، میزان مشارکت اجتماعی، فرهنگی دبیران راهنمایی شهر مشهد، از طریق پژوهش کمی و پیمایشی (تهیه پرسشنامه از ۲۲۰ نفر دبیر راهنمایی) با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای، بررسی شده است. در چهارچوب نظری، از نظریه های کنش اجتماعی پارسنز، انسجام اجتماعی دورکیم، و نظریه های هانتینگتون، لرنر، اینکلس، لیپست، اینگلهارت و وینر بهره گرفته شده است. بر اساس یافته های تحقیق، میزان مشارکت اجتماعی، فرهنگی در بازه (۵-۱)، معادل ۳/۶۴ بوده که در حد متوسط روبه بالا است. نتایج حاصل از آزمون دومتغیره نشان از معنادار بودن ارتباط متغیرهای جنس، محل تولد، وضعیت تاهل و رشته تدریس با مشارکت اجتماعی- فرهنگی داشته است. هم چنین بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه، متغیرهای خردگرایی، انسجام اجتماعی، دسترسی به رسانه ها، اکتساب گرایی، دینداری، فرآیند یاددهی با مشارکت اجتماعی، فرهنگی رابطه مستقیم و معنادار دارند و این در حالی است که بر اساس تحلیل مسیر، متغیرهای فعال گرایی و عام گرایی بر مشارکت اجتماعی، فرهنگی دارای تاثیری غیرمستقیم می باشند.

واژگان کلیدی: مشارکت اجتماعی- فرهنگی، انسجام اجتماعی، خردگرایی، اکتساب گرایی، عام گرایی

فصل اول

کلیات

مقدمه

مطالعه صورت های روابط اجتماعی میان افراد در کانون توجه مطالعات جامعه شناختی قرار دارد، مشارکت نیز به عنوان یکی از اشکال روابط اجتماعی دارای جایگاهی ویژه است که می بایست به آن توجه کافی شود. چراکه توسعه فرهنگ و رفتار مشارکتی در بین افراد یک جامعه نیازمند تحولات و دگرگونی های اجتماعی و فرهنگی است که می تواند زمینه ساز شکوفایی همه جانبه جامعه گردد. بادر نظر گرفتن پیچیدگی رفتار مشارکتی و وابستگی متقابلی که میان ابعاد مختلف نظام اجتماعی و فرهنگی وجود دارد تبیین مشارکت قدری دشوار است. بنابراین باید با دیدی محتاطانه و با دقت بیشتر به تحلیل این موضوع پردازیم.

باین حال از نظر نگارنده، با رویکردی کارکردی به نحو بهتری می توان به بررسی مشارکت پرداخت. زیرا در این رویکرد با دیدی نظام مند، می توان به تحلیل کارکردی مشارکت با در نظر گرفتن زمینه های شناختی، اجتماعی و فرهنگی کنشگر پرداخت.

۱-۱- طرح مساله تحقیق

مشارکت^۱ به عنوان مؤلفه ی اساسی زندگی اجتماعی و آموزش و پرورش^۲ به عنوان یک نهاد اجتماعی از موضوعات مهم جامعه شناسی به شمار می آیند و معلمان آموزش و پرورش با رویکردی مشارکتی نقش مهمی در توسعه فرهنگ در جامعه ایفا می کنند.

بی تردید مدارس برای انجام صحیح رسالت خود نیازمند برقراری رابطه با اجتماع می باشند. از این رو رابطه مدرسه و اجتماع رابطه ای تعاملی و مداوم است و در صورتی این کنش متقابل می تواند به اهداف خود برسد که همراه با مشارکت آگاهانه و سازنده میان تمامی عناصر به ویژه معلمان آن در رابطه با دانش آموزان همراه باشد. امروزه در هر جامعه ای آموزش و پرورش از جایگاهی ویژه برخوردار است و تحولات روزافزون سبب

^۱ Participation
^۲ Education

جلب توجه بیشتر به آموزش و پرورش شده و بر نقش آن در توسعه اجتماعی و فرهنگی جوامع تاکید شده است.

جامعه ای که هدف آن پیشرفت بر اساس دانش و فن آوری است، باید ابتدا آموزش و پرورش خود را متحول کند. برای این کار باید فن آوری های آموزشی، یعنی طراحی اجرا و ارزشیابی برنامه ریزی شده ی پژوهش های کاربردی را به کار گیرد (رستگار پور: ۱۳۸۴). این درحالی است که بخش زیادی از این فرآیند در قالب اجتماعی شدن (جامعه پذیری) صورت می پذیرد. جامعه پذیری شامل سه بخش منبع، محتوا و روش است. منبع جامعه پذیری در حقیقت، همان عوامل یا کارگزاران اجتماعی شدن (نهاد خانواده، نهاد آموزش و پرورش، رسانه های جمعی و محیط های اجتماعی اطراف فرد) می باشند. محتوای جامعه پذیری نیز دربرگیرنده ارزش ها، نمادها و آداب و رسوم یک جامعه و روش جامعه پذیری، شامل راه هایی است که از مسیر آن جامعه پذیری رخ می دهد که مهمترین این مکانیسم ها، آموزش رسمی و غیر رسمی در محیط مدرسه می باشد. در یک کلام «جامعه پذیری فرآیند انتقال هنجارها و ارزش های جامعه به فرد است» (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۴) یکی از مهم ترین منابع جامعه پذیری از منظر کارکردگرایی^۳ نظام آموزش که یکی از مهم ترین ارکان جامعه تلقی می شود کارکرد جامعه پذیری را بر عهده دارد. لذا در مورد نقش آموزش و پرورش در اجتماعی کردن نوجوان، می توان با دورکیم^۴ همراه شد و بر نقش سازنده ی آموزش و پرورش به عنوان یک فراگرد اجتماعی تاکید و آن را « فعالیتی دانست که توسط نسل های بزرگسال بر روی نسل های کوچکتر برای اجتماعی شدن و پذیرش نقش های مورد انتظار جامعه به عمل می آید» (دورکیم، ۱۳۷۶: ۴۷).

گسترش امر آموزش و پرورش بیش از هر چیز به مجریانی آگاه نیاز دارد و در این میان نقش معلم ها در مقایسه با سایرین به دلیل جایگاه راهنما و الگو بودن ایشان برای دانش آموزان در مدرسه و کلاس درس، به ویژه در سنین نوجوانی از اهمیت بیشتری برخوردار است. به عبارت دیگر «معلم فردی است که نقش، عمل و

رفتارش در کلاس درس بسیار مورد توجه شاگردانش است» (عبدالهی، ۱۳۸۸: ۵۷). تنها در سایه مشارکت اجتماعی- فرهنگی تمامی معلمان است که فرآیند جامعه پذیری صورت می گیرد و نمی توان نقش این قشر با توانمندی های متعدد را در این چهارچوب نادیده انگاشت.

امروزه واژه مشارکت^۵ در تمامی متون توسعه دیده می شود. در واقع مشارکت وجه اساسی و در عین حال گم شده توسعه پایدار در جامعه به طور اعم و در حوزه آموزش و پرورش به طور خاص می باشد. باید توجه داشت که « مفهوم مشارکت اجتماعی جایگاهی ویژه در میان حوزه های مختلف علوم اجتماعی اشغال کرده است و بر رویکردهای تئوریک و مفهومی خاصی استوار است» (پیرینی^۶، ۲۰۰۷: ۲). همچنین این مفهوم « دارای جایگاهی مهم در مطالعات جامعه شناختی بوده و به عنوان رابطی بین کنش های شخصی و کارکرد های جامعه ای او مطرح می باشد» (بورگارد^۷، ۲۰۰۸: ۱). می توان گفت مشارکت در حوزه ی آموزش و پرورش دارای اهمیتی دوچندان می باشد. زیرا هدف نهایی آن کمک به فرآیند جامعه پذیری دانش آموزان در جامعه معاصر می باشد.

به نظر می رسد « مشارکت و انگیزش اجتماعی می تواند در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان جامعه انجام پذیرد و بر حسب ملاکهای مختلف دارای تقسیم بندیهای مختلفی است اگرچه وجود مشارکت به لحاظ نظری و انتزاعی بسیار ساده به نظر می رسد اما در عملی کردن و اجرا نمودن، مشارکت به سادگی میسر نیست، شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه، نوع نگاه مسئولان، تجربیات پذیرفته شده و واقعیات جامعه و... بر پذیرش و یا عدم پذیرش و یا نحوه ی اجرای مشارکت مؤثر هستند» (موسوی، ۱۳۸۵: ۲). فرآیند مشارکت به عنوان یک نظام کارکردی با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، تقویت روحیه همبستگی، شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت، و تقویت روحیه مسولیت پذیری همراه بوده است.

Participation^۵
Pirini^۶
Burgard^۷

با توجه به اهمیت مشارکت به عنوان موضوع اصلی در این پژوهش می توان گفت « مشارکت اجتماعی، مشارکت داوطلبانه و فعال افراد در گروه هایی خارج از خانواده و عرصه های سیاسی (احزاب، اتحادیه ها، گروههای فشار) می باشد » (یزدان پناه، ۱۳۸۶: ۱). به نظر می رسد که عوامل زیادی در این فرآیند تاثیر گذار هستند، ولی هر تحقیقی با توجه به رویکردی که در مطالعه خود دارد تعدادی خاص از این عوامل را برجسته ساخته است. این تحقیق نیز با بهره گیری از نظریات و یافته های تحقیقات دیگر سعی در تکمیل تحقیقات دیگر و ارایه راهکارهایی جدید در این زمینه را دارد.

پژوهش های زیادی در ایران درباره ی مشارکت در ابعاد مختلف آن صورت گرفته است، با این حال به نظر می رسد درباره مشارکت اجتماعی - فرهنگی معلمان تحقیقی جامع صورت نگرفته است.

۱-۱-۱- پرسش های اصلی پژوهش

- میزان مشارکت اجتماعی - فرهنگی دبیران مدارس راهنمایی شهر مشهد در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ چگونه است؟

- عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی - فرهنگی دبیران مدارس راهنمایی شهر مشهد در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ کدامند؟

۱-۲- اهمیت و ضرورت مساله

تاریخ حیات انسان، تاریخ همکاری و مشارکت است. زمانی که انسان دریافت که می تواند با جمع آوری کردن توان خود بر مشکلات غلبه کند، مشارکت زاده شد. به عبارت دیگر « با مروری بر زندگی اجتماعی انسان در دوره های گذشته درمی یابیم که مشارکت در تمام دوران ها با مردم بوده و از مسائل مهم و دیرینه زندگی اجتماعی به شمار می آید » (نیازی، ۱۳۸۵: ۱۲۸). بدون تردید مشارکت همه جانبه یک گروه اجتماعی یا یک جامعه در برنامه ریزی ها و کلیه فعالیت ها و اموری که به گونه ای با اهداف ملی و سازمانی مرتبط می باشد، مورد توجه مدیران، برنامه ریزان و صاحب نظران توسعه اجتماعی و جامعه شناسان است. باین حال مشارکت،

مفهومی است چندبعدی و پیچیده، که هر جامعه ای نسبت به قوام خود، از سطوح مختلف برخوردار است. بر همین اساس جوامع مختلف به دنبال ایجاد و افزایش مشارکت اعضا در عرصه های گوناگون اجتماعی هستند تا بدین طریق، همبستگی اجتماعی و پیوندهای اجتماعی شان را محکم نمایند و از فروپاشی اجتماعی جلوگیری نمایند. با این حال به رغم بیش از چند دهه بحث های گسترده و عمیق درباره ی مشارکت به جرات می توان گفت که هنوز هیچ تئوری کلی که به صورت روشن، همه یا اغلب متغیرهای مربوط به مشارکت را در بر داشته باشد ارائه نشده است. به نظر می رسد که مشارکت پدیده ی پیچیده ای است که به تعداد زیادی از متغیرهای دارای وزن نسبی متفاوت وابسته است. البته این بدان معنا نیست که هیچ مدل ادراکی را نمی توان برای تبیین مشارکت ارائه نمود، لازمه ی ارائه ی مدل دقیقی از مشارکت، آزمون نظری و تجربی رویکردهای مختلفی است که در زمینه ی مشارکت اجتماعی، فرهنگی وجود دارد، و با این کار اولاً میزان انطباق این رویکردها با جامعه ما شناخته می شود و ثانیاً شناخت همه جانبه ای از عواملی که در مشارکت اجتماعی، فرهنگی تاثیر گذارند به دست خواهد آمد، لذا جامعه ی ایران به عنوان جامعه ای در حال گذار بیش از پیش به تحقق عملیاتی این مفهوم (مشارکت) به عنوان پیش شرط توسعه فرهنگی و اجتماعی دارد.

یکی از لوازم برنامه ریزی در دنیای جدید، توجه به مشارکت همه جانبه افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه می باشد. در زمینه ی مشارکت کارهای زیادی انجام گرفته است (رضادوست: ۱۳۸۸؛ سفیری: ۱۳۸۸؛ یزدان پناه: ۱۳۸۷؛ دهقان و غفاری: ۱۳۸۴؛ هلی: ۱۹۹۷؛ برتون: ۱۹۹۷ و...).

با این حال در زمینه مشارکت اجتماعی- فرهنگی معلمان پژوهش های زیادی صورت نگرفته است. این در حالی است که مشارکت در میان گروه های مختلف اجتماعی صورت می گیرد و معلمان آموزش و پرورش با جمعیتی در حدود ۹۰۰ هزار نفر دارای جایگاهی ویژه در میان سایر گروههای مختلف می باشند، زیرا این گروه به دلیل تماس مستقیم و مستمر با دانش آموزان نقش مهمی در آموزش دانش آموزان ایفا می کنند.

اهمیت نقش مشارکت اجتماعی، فرهنگی این قشر اجتماعی آن گاه نمایان تر می شود که با بررسی ساختار جمعیتی کشور متوجه می شویم از جمعیت ۷۴ میلیونی کشور بر طبق آخرین سرشماری رسمی سال ۱۳۸۵، ۷۰ درصد در سنین نوجوانی و جوانی (سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹/۷/۱) و از این میان ۱۴/۵ میلیون نفر دانش آموز و حدود ۳/۵ میلیون نفر در مقطع راهنمایی مشغول به تحصیل می باشند (سایت وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۹/۷/۱).

در میان معلمان مقاطع تحصیلی مختلف، مشارکت میان معلمان مقطع راهنمایی دارای اهمیت بیشتری می باشد، زیرا اولاً دانش آموزان این گروه از معلمان، سالهای نخستین نوجوانی را تجربه می کنند و نوجوانی مرحله ای خاص از رشد جسمی، شخصیتی و اجتماعی محسوب می شود که فرد ارزش های فرهنگی و اجتماعی را درونی می سازد برای همین از سایر دانش آموزان متمایز می شود. ثانیاً قسمت اعظم فرآیند اجتماعی شدن دانش آموزان نوجوان در مدرسه و کلاس درس تحت تاثیر مستقیم و غیر مستقیم معلمان شان صورت می گیرد. بنابراین می توان گفت نحوه، شکل و میزان مشارکت اجتماعی - فرهنگی دبیران مقطع تحصیلی راهنمایی در محیط مدرسه مهم می باشد، لذا پژوهش حاضر با دیدی جامعه شناختی سعی در شناخت عوامل موثر بر میزان مشارکت اجتماعی - فرهنگی در میان معلمان دارد.

۱-۲-۱- هدف های پژوهش

هدف توصیفی: بررسی میزان مشارکت اجتماعی - فرهنگی جامعه آماری مورد نظر که عبارت است از دبیران راهنمایی شهر مشهد.

هدف تبیینی: تبیین عوامل موثر بر میزان مشارکت اجتماعی - فرهنگی دبیران راهنمایی شهر مشهد.

۱-۳- تعریف مفاهیم

۱-۳-۱- مفهوم مشارکت

گسترده‌گی مفهوم مشارکت و تفسیرهای متعدد از آن از ویژگی‌های خاص این مفهوم است و قدمت این واژه به پیشینه‌ی زندگی اجتماعی باز می‌گردد. « فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت را به عنوان عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن دانسته است » (رهنما، ۱۳۷۷: ۱۱۵). به طور کلی مشارکت در فارسی مترادف؛ ((یاری کردن، خودیاری، همکاری، همیاری و تعاون)) می‌باشد. به منظور شناسایی بهتر این واژه به تعریف این مفاهیم می‌پردازیم:

همیاری؛ عبارت است از مشارکت عمومی در انجام کارها و طرح‌هایی که تمام دست‌اندرکاران سود و منفعت مشترکی از آن می‌برند، این سودبری ممکن است برابر یا نابرابر باشد. این نوع مشارکت ممکن است به صورت عرضه کار داوطلبانه و یا هزینه انجام کار باشد. اصطلاح دیگر معادل همیاری یاری‌گیری است. تعاون؛ در فرهنگ معین به معنی یکدیگر را یاری کردن، به هم یاری رساندن، همدستی، یاری و دستگیری آمده است.

دیگریاری؛ عبارت است از کمک، یاری و مساعدت به دیگران، هرچند ممکن است عین این کمک و منفعت آن به خود یارگیر برنگردد. نمونه آن کمک در مراسم عزاداری، عروسی و... است.

خودیاری؛ مشارکت یک فرد با فرد یا افراد دیگر در انجام دادن کارهای روزمره است، به نحوی که دیگران نیز عین این عمل را برای او انجام دهند (حامد مقدم: ۱۳۷۳ و فولادیان: ۱۳۸۷).

در یک معنای وسیع « مشارکت عبارتست از شرکت فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات » (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲۱). آلن بیرو نیز از منظری جامعه‌شناختی مشارکت را تعریف کرده است. به نظر وی «باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) و به عنوان حالت یا وضع (امر

شرکت کردن) تمیز قایل شد. مشارکت در معنای نخست داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در حیات آن خبر می‌دهد» (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۷۵). او کلی نیز که گرایش خاصی به ابعاد کارکردی مفهوم مشارکت دارد معتقد است که «مشارکت عبارت است از احساس سازی مردم و در نهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخگویی به برنامه‌های توسعه از طریق درگیر کردن آنان با تصمیم‌گیری و ارزیابی برنامه‌ها» (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۳). گائوتری نیز مشارکت را فرآیندی عمومی، یکپارچه، چندبعدی و چند فرهنگی دانسته می‌گوید «مشارکت را همواره باید مرحله‌ای تجربی تلقی کرد که روش‌ها و فنون بکار رفته در آن و نتایج حاصل از آن بنا بر زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای هر تجربه متفاوت و ارائه دستورالعملی برای موفقیت کامل آن نوعی گزافه‌گویی است» (گائوتری و همکاران، ۱۳۷۹: ۲۸۵). گروهی از جامعه‌شناسان نیز مشارکت را نوعی کنش هدفمند دانسته‌اند که در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده نمود پیدا می‌کند. از منظری دیگر مشارکت نوعی کنش ارتباطی است که مبتنی بر فهم متقابل است. آن چنان که هابرماس کنش معطوف به فهم متقابل یا کنش ارتباطی را نوعی کنش اجتماعی دانسته است (از کیا، غفاری: ۱۳۸۰).

می‌توان گفت عموماً صاحب نظران در تعریف مشارکت از مفاهیمی چون هم‌جهتی و هدف‌مندی، آگاهی نسبت به هدفهای گروه و اراده و خواست بهره‌می‌گیرند، اما عمده‌ترین هدف مشارکت، توانمندسازی افراد است (کول و باچیان^۱، ۲۰۰۷). به طور کلی می‌توان گفت مشارکت اجتماعی - فرهنگی را اینگونه تعریف نمود: فرآیندی است مبتنی بر حضور آگاهانه و فعال فرد، به عنوان عضو جامعه، در صحنه‌های اجتماعی، فرهنگی و ایفای نقش‌هایی که به وی محول شده و در غالب رفتارهای فرهنگی، اجتماعی بروز می‌کند.

^۱ Cole&Bachayan

۱-۳-۲- فرهنگ

فرهنگ^۹ یکی از مفاهیمی است که در جامعه شناسی زیاد به کار برده می شود و یکی از مشهورترین ویژگی های ارتباطات اجتماعی انسان است. مفهوم فرهنگ را برای نخستین بار در اواخر قرن نوزدهم انسان شناسان توسعه دادند. در حقیقت «نخستین تعریف روشن و جامع فرهنگ به وسیله سرادوارد تایلر^{۱۰} بیان شد. او در سال ۱۸۷۱ میلادی، فرهنگ را چنین تعریف کرد: فرهنگ مجموعه پیچیده ای است شامل دانش ها، عقیده ها، قاعده، اخلاق، آداب و رسوم و دیگر استعدادها و عاداتی که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می آورد» (عسگری، ۱۳۷۸: ۲۳۶). به عبارت دیگر فرهنگ محصول میراث اجتماعی بشر است و از طریق انسان ها آموخته می شود و آموزش آن بر اثر روابط متقابل اجتماعی میان انسان ها صورت می گیرد. گیدنز هم در بیان فرهنگ می گوید «فرهنگ عبارتست از ارزش هایی که اعضای یک گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می کنند، و کالاهای مادی و غیر مادی که آن ها تولید می کنند» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۳۶). فرهنگ در هر جامعه ای دارای ویژگی ها و کارکردهایی خاص می باشد که به آنها اشاره می گردد:

جدول شماره ۱-۱: ویژگی ها و کارکردهای فرهنگ (برگرفته از محسنی: ۱۳۷۹)

فرهنگ چیزی است که:	فرهنگ دارای این کارکردهاست:
از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد.	اجتماعی کردن افراد
حالت انباشتگی دارد.	مشخص کردن و انتقال ارزش ها و هنجارها
دارای ماهیتی پیچیده است.	نظارت و کنترل اجتماعی
از مکانی به مکان دیگر اشاعه می یابد.	تعلیم و تربیت افراد

با این حال «از منظر جامعه شناسی کارکرد اساسی فرهنگ جمع آوری تعدادی از اعضا در یک جماعت مشخص است. البته عوامل دیگری مانند روابط خونی، پیوستگی جغرافیایی و.. نیز این کار را می کنند. اما خود

^۹ Culture
^{۱۰} Sir Edward Tylor

این عوامل درون فرهنگ و به وسیله ی آن تعبیر و تفسیر می شوند و فرهنگ به آن ها معنای اجتماعی می دهد «
(روشه، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

۱-۳-۳- اجتماعی شدن (جامعه پذیری)

مفهوم اجتماعی شدن (جامعه پذیری)^{۱۱} بازگوکننده تمامی تجربیاتی است که از طریق آن اعضای جوان و تازه وارد اجتماع، فرهنگ جامعه خویش را می آموزند. به زبان دیگر اجتماعی شدن فرآیندی است که افراد از طریق آن ارزش ها، هنجارها، گرایش ها و عادات را از فرهنگ اخذ می کنند (کوئن: ۱۳۷۲ و محسنی: ۱۳۷۸ و روشه: ۱۳۸۷ و فرجاد: ۱۳۷۶ و گیدنز: ۱۳۸۷). به هر حال تلقی برخی از جامعه شناسان از جامعه پذیری (اجتماعی شدن) نوعی تعلیم و تربیت است. برخی دیگر نیز آن را فرآیند انتقال فرهنگ و الگوهای فرهنگی معرفی کرده اند. از دیدگاه آنان « فرایند جامعه پذیری که نوعی انتقال فرهنگی است عموماً حالت دوگانه ی رسمی و غیر رسمی دارد. آنچه فرد از خانواده، دوستان و سایر افراد در محیط های غیر رسمی یاد می گیرد جامعه پذیری غیر رسمی است. در مقابل هر وقت که موقعیت ساختارمند باشد فرآیند جامعه پذیری رسمی خواهد بود. مدرسه نمونه ای از این نوع است » (بلیک و هارولدسون، ۱۳۷۸: ۸۹).

به عبارت دیگر جوامع انسانی برای ایجاد وحدت و همبستگی جامعه خود بر یک سلسله ارزش ها، هنجارها و نمادها توافق می کنند و این فرهنگ را به شکل الگوهای و ارزش های فرهنگی به نسل جدید منتقل می کنند. هر جامعه ای دارای فرهنگ معینی است که محتویات خاص آن در رفتار اعضای جامعه تاثیر می گذارد و از آن جا که بر اثر فرآیند اجتماعی شدن، افراد ارزش های فرهنگی جامعه خویش را اخذ کرده و آن را درونی می کنند، فرهنگی که هر فرد در آن قرار دارد بسیار دارای اهمیت است. جوامع مختلف علاوه بر اختلافاتی که از نظر محتوای فرهنگی دارند، از نظر نحوه اجتماعی ساختن اعضای خود نیز با یکدیگر متفاوتند. « در یک جامعه سنتی و نسبتاً ایستا که روابط اجتماعی به صورت ابتدایی و ساده است، جامعه پذیری بسیار آسان و با استفاده از

^{۱۱} Socialization